

شرق روزنامه

نگاه

درباره حقوق شهروندی خود چه می دانیم

بهمن کشور ز • وکیل دادگستری

حقوق شهروندی همان حقوقی است که در فصل سوم قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت از اصل نوزدهم تا اصل چهل‌ودوم قانون اساسی برشمرده شده است. بعدها، یعنی در زمان ریاست‌جمهوری آقای روحانی، ایشان درباره حقوق شهروندی مجموعه مفصل‌تری را ارائه دادند که قسمت‌هایی از آن قابل انطباق بر همین فصل سوم است. اما موارد دیگری که در فصل سوم نیامده و ممکن است در جای‌جای قانون اساسی به‌طور متفرق آمده باشد یا احتمال دارد به نحو دیگری بیان شده باشد در این مجموعه گردآوری شده.
ایرادی که بر این مجموعه می‌گرفتند این بود که این مجموعه ضمانت اجرا ندارد، این ایراد وارد نیست، زیرا برای اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی ضمانت اجرای کیفری در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است، بنابراین قسمت‌هایی از منشور حقوق شهروندی که با فصل سوم پیش‌گفته انطباق دارد فاقد ضمانت اجرا نیست.
درباره مواردی که ممکن است این وصف را نداشته باشند، واضح است که می‌توان از طریق طرح یا لایحه ایجاد ضمانت اجرا کرد و اینکه شنیده شده اخیرا در مجلس شورای اسلامی فراکسیون حقوق شهروندی تشکیل شده است، نوید آن را می‌دهد که یکی از اقدامات ین فراکسیون استتخراج مصادق قرار ضمانت اجرا از منشور حقوق شهروندی و پیش‌بینی ضمانت اجرا در قالب طرح یا لایحه باشد.

اهم حقوق شهروندی مواردی است که مربوط به مسائل قضائی است. این مسائل در متن اصول فصل سوم آمده است و قسمت‌هایی از آن در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان احترام به حقوق آزادی‌های مشروع- در زمان آیت‌الله‌هاشمی‌شاهرودی- مورد تصویب مجلس ششم قرار گرفت که عمداً راجع به مسائل قضائی و حقوق متهم و مواردی از این دست است.

با تصویب قانون دادرسی کیفری سال ۱۳۹۴ این موارد در بسیاری از مواد این قانون نیز انعکاس پیدا کرد.
بنابراین از نظر ماهیت حقوق شهروندی با خلأیی مواجه نیستیم، اما اینکه در عمل به این حقوق و حفظ آنها چه حد بها داده می‌شود محل بحث و تأمل است. علت را باید در دو مقوله جست‌وجو کرد؛ نخست اینکه مردم ما با حقوق خود آشنا نیستند و این عدم آشنایی ناچار به عدم مطالبه منتهی می‌شود. در گذشته‌ها گفته شد فردی از پاسانی که در خیابان مشغول نگهبانی بود مکرر تشکر می‌کرد، تا حدی که پاسبان با حیرت پرسید چرا این اندازه سپاسگزاری می‌کنید؟ جواب داد چون با اینکه آن باتوم را در کمر داری، توی سر من نمی‌زنی. البته این حالت اغراق آمیز عدم آشنایی به حقوق است. اما در ورای آن می‌توان واقعیتی را دید.
بنابراین قدم اول این است که با آموزش عمومی از طریق رسانه‌ها، به‌ویژه صداوسیما مردم را با حقوقی که دارند و نحوه مطالبه استیفای این حقوق آشنا کنیم. این آشنایی قطعا به مطالبه منجر خواهد شد و همچنین آموزش رسمی حقوق ملت در دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و حتی دانشگاه‌ها بسیار مهم خواهد بود و این مطالبه دولتمردان و مسئولان را- که خادم مردم هستند و حقوق خود را از آنها می‌گیرند- به معرض پاسخ‌گویی قرار خواهد داد. دوم، عادت‌نداشتن مسئولان و دولتمردان و مجریان به رعایت حقوق ملت است، مگر در حالتی که مجبور شوند. در این مورد نیز آموزش‌های مختلف قانون اساسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اسناد بین‌المللی ناظر به این موارد به دولتمردان راهگشا خواهد بود و نیز برخورد جدی با آشنایی به حقوق مردم هستند می‌تواند به اجرا و ایفای این حقوق کمک کند.
وقتی مطالبه ناشی از آگاهی مردم با عکس‌العمل قانونی دولتمردانی که آموزش لازم را دیدند مواجه شود، نتیجه جدی تلقی‌شدن و حفظ حقوق شهروندی خواهد بود.

کاهش آمار خشونت در پروتوافشای مجرم

ترجمه: محمدحسین هاشم‌خانلو

«جست‌وجوی مهاجمان جنسی» (SOS: Sex Offenders Search) نام یک اپلیکیشن تلفن همراه است که ابتدا از سوی LogSat Software برای سیستم‌عامل iOS و بعد با همکاری Fibercode برای سیستم اندروید تهیه شد و در واقع برنامه‌ای است که در آن، سابقه افرادی که برای بزرگسالان یا کودکان مزاحمت جنسی ایجاد کرده‌اند، ثبت و گزارش می‌شود.
طرز کار این اپلیکیشن این‌گونه‌است که شما منطقه یا نشانی یا حتی نام یک فرد را جست‌وجو می‌کنید و جست‌وجوگرهای این برنامه در بین مزاحمت‌های ثبت‌شده جست‌وجو می‌کنند و مواردی مانند عکس، جزئیات سوابق و مشخصات ظاهری هر مزاحم را- مربوط به نشانی یا نامی که جست‌وجو کرده‌اید- به شما ارائه می‌دهند.

این نوع از برنامه‌ها، به نوعی افشاگران مهاجمان جنسی هستند و به خاطر کارگردایی بسیاری که در ایجاد امنیت اجتماعی داشته‌اند، نته‌ها به‌شدت با استقبال فعالان مدنی و کاشت‌نویسان این حوزه مواجه شده‌اند بلکه از سوی ارگان‌های امنیتی مانند اف‌بی‌آی نیز سایت‌هایی برای افشای مجرمان جنسی در دسترس عموم قرار داده شده که افراد بتوانند با مراجعه به این پایگاه‌های اینترنتی در ایالت‌های مدنظرشان، اطلاعات مجرمان جنسی را پیدا کنند.

ایان ایزار، افراد و خانواده‌ها را از تهدیدات محیط پیرامونشان آگاه می‌کند؛ به‌این‌ترتیب که آنها می‌توانند از اسباب‌کشی به ساختمان یا محله‌ای که در آن یک سابقه‌دار مزاحمت‌جنسی ساکن است، خودداری کنند و کودکان خود را به مدرسه‌های آن منطقه نفرستند.
با حداقل محل بازی یا مسیر رفت‌وبرگشت کودکان خود از مدرسه را به نوعی تنظیم کنند که از این مکان‌ها عبور نکنند.
درضمن، با استفاده از این ابزار، در هنگام استخدام مربیان مهدکودک، رانندگان سرویس مدرسه برای کودکان و... می‌توانند یک فرد بی‌گناه زندگی کنند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت، می‌تواند به کاهش میل این مزاحمان و کاهش مزاحمت‌های جنسی منجر شود.

یادداشت

عقب‌نگاه‌داشتن زنان خشونت را افزایش می‌دهد

مینو مرتاضی لنگرودی•

بیش از یک قرن از ورود زنان ایرانی به عرصه فعالیت‌های طی این مدت در جریان سقوط ساختار سلطنت و ماشین استبداد و ظهور جمهوری اسلامی نقش متعوض با مزاحم اطفال یا زنان شود و با الفاظ و حرکات مخالف شنون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه یا ۲۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. این قانون صرف‌نظر از اینکه با ابهام فراوانی روبه‌رو است، اساسا برداشت‌های خیلی متفاوتی می‌توان از آن داشت. راه باز می‌کند که متعرضان به استناد همین ماده این کارها را انجام دهند. مثلاً می‌گوید هرکس در اماکن عمومی یا معاینر این کارها را انجام دهد پس اگر در اماکن عمومی یا معاینر نبود و تعرض کرد، اشکالی ندارد. جایی دیگر می‌گوید با الفاظ و حرکات مخالف شنون؛ از این دو عبارت گسترده می‌توان برداشت‌های مختلفی کرد. به‌همین جهت در بین نوجوانان و جوانان ما ادبیات و اصطلاحاتی رواج یافته که برای خودشان مفهوم بدی نیست اما برای افراد بزرگ‌تر چون با فرهنگ دیگری زندگی کرده‌اند، حالت بسیار بدی دارد.

✎ خانم نژادبهرام، بخشی از کاری که شما می‌خواهید درباره زنان انجام دهید، اصلاح بلبان شهری را دربر می‌گیرد. اما چه مصادیقی می‌تواند داشته باشد؟ درباره خشونت فرهنگی که در شهر به زنان روا می‌شود، صحبت کردیم. جداسازی زن‌ها در معاینر، اتوبوس، پارک و... اتفاقی که افتاده این است که زن‌ها راضی هستند که در اتوبوس و مترو از مردان جدا باشند. اگر زن‌ها در کنار مرده‌ها قرار بگیرند، ابتقدر این وحشت در آنها وجود دارد که به این جداسازی رضایت دارند. شما چقدر با ساختن پارک و دیگر مکان‌های عمومی مختص بانوان موافق هستید؟ آیا این کارها را مصداق خشونت فرهنگی نسبت به زنان نمی‌دانید؟

نژادبهرام: ابتدا می‌خواهم درباره عدالت صحبت کنم. به نظم عدالت به این مفهوم است که هر چیز سر جای خودش باشد. در خلقت برابر هستیم؛ اما به این معنی نیست که در بهره‌برداری از مزایای خلقت هم برابری داشته باشیم؛ بنابراین نیازمند عدالت هستیم و عدالت ساری و جاری نمی‌شود؛ مگر اینکه یک سری تبعیض‌ها وجود داشته باشند. طبق تحقیق بودیو کسانیکه از خانواده‌های ثروتمند هستند، فرزندانشان به مدارس بهتر می‌روند و در آینده به مدارج بالاتر دسترسی خواهند داشت و کسانی که محدودیت منابع مالی دارند، در چرخه فقر قرار می‌گیرند. گاهی لازم است امتیازاتی داده شود که بتواند این چرخه‌ها را به هم برسانند. اینجاست که مفهوم عدالت معنادار می‌شود. اینجاست که می‌توانید سکوها را کوتاه‌تر و بلندتر کنید. در تاریخ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زنان همیشه کنار گذاشته شده‌اند (نمی‌گویم کنار مانده‌اند) طبیعتاً اطلاعات و دانش و تجربه‌شان کافی نیست و نمی‌توانند حضور داشته باشند. حال اینکه بگویند این گوی و این میدان، شما برابر هستید که استفاده کنید. از چه چیزی استفاده کنند؟ این عین تبعیض و نابرابری است. وقتی من در تاریخ به دلائل متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کنار گذاشته شده‌ام و ظرفیت‌های موجود در شهر و جامعه فقط برای یک گروه از انسان‌ها طراحی شده؛ اینکه بگویند شما برابر هستید، بیشتر شبیه شوخی است. پس اینجا باید عدالت را رعایت کرد؛ یعنی امتیازاتی برای کسانی که تاکنون کنار گذاشته بودید، در نظر بگیرید. اگر لازم است کلاس آموزشی بگذارید، سهمیه در نظر بگیرید یا محافظ بگذارید تا نیازهای گروه‌هایی را که از طرف شما کنار گذاشته شده‌اند، تأمین کند؛ اما شهر این قابلیت را دارد که امنیت زنان را تأمین کند؟ آیا جداسازی راهکاری برای حفظ امنیت زنان از خشونت است و آیا اینکه من موافق این رفتار هستم یا نه؟

اگر جداسازی فرصتی برای جامعه زنان و حرکت درستی است؟ اینکه این حرکت درست است یا نه دلایل متعدد تاریخی واقعی در کشور ما داشته. همیشه زنان بوده‌اند که به خاطر دلایلی که گفته شد، هزینه می‌پرداختند؛ چون از طرف قانون و جامعه حمایت نمی‌شدند و همیشه و همیشه مسئولیت تقوای اجتماعی و حفظ اخلاق اجتماعی به عهده زنان بوده و مورد حمایت نبوده‌اند و طبیعتاً فکر کردیم راهکاری که می‌تواند از زنان حمایت کند، جداسازی است و زنان هم به این سمت حرکت کرده‌اند.

حال که قانون و جامعه با ما همراه نیست و نه خودمان با خودمان هستیم، تنها جداسازی است که می‌تواند کمک کند که تبدیل به یک رویه می‌شود و از طریق مدیران اجتماعی هم به زنان القا می‌شود. این کار دو بال دارد، یکی اینکه زنان از این اتفاق استقبال می‌کنند؛ چون راه دیگری جز این برای امنیشتان ندارند. مقاله‌ای در روزنامه خواندم درباره موجی که در هالیوود به راه افتاده از اعلام عرض جنسی به زنان و مردان معروف فریادیه از طرف کارگردانان.

چقدر این افراد که بیشترشان هم زن بوده‌اند، این حرف را سال‌ها در دلشان نگه داشته و جرئت گفتش را نداشته‌اند؛ چون مؤاخذه می‌شدند. در چنین فضایی راهکاری که به نظرشان می‌رسد، این است. آیا این تبعیض است؟ بله، آیا مثبت است؟ خیر. طبیعتاً تبعیض است که یک فضای عمومی از شهر با حمل‌ونقل شهری را که متعلق به عموم است، به زنان اختصاص می‌دهید. من می‌گویم این تبعیض مثبت نیست؛ چون ریشه‌ها را کنار گذاشته‌اید. عدالت رفع نابرابری‌هاست. از نظر ریشه‌ای با این مشکل دچار چالش خواهیم شد که اقدامی که می‌شود، تبعیض مثبت نیست و بازتولید همان جریان نابرابری و بی‌عدالتی است؛ چون فقط محافظت می‌کنید و به سمت پیشبرد عدالت حرکت نمی‌کنید. اگر به این سمت حرکت می‌کردید، طبیعتاً نیازی به جداسازی نبود. نیاز به این بود که زنان و جامعه را توانمند کنید، آموزش مداوم بین زنان و مردان بدهید که زنان مادران و خواهران شما هستند و حداقل در خلقت با شما برابر هستند.

فعال حوزه زنان



عکس: ژانفهره آرسلمی، شرق

میزگرد خشونت خیابانی علیه زنان با حضور فردین علیخواه، زهرا نژادبهرام و صالح نیکبخت

خودمان پذیرفتیم زنان ضعیف‌اند

شهرزاد همتی

مثبت است. اجازه بدهید مثالی بزنم. یکی از مباحث حوزه مطالعات شهری ترس از جرم است؛ به این معنی که آدم‌ها در فضاهای عمومی شهر چقدر و از چه چیزهایی می‌ترسند. اکثر تحقیقات نشان می‌دهد که برای مثال میزان ترس از جرم در بین زنان بیشتر از مردان است با میزان ترس از جرم در بین سالمندان بیشتر از گروه‌های سنی پایین‌تر است. آنان بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی هراس قربانی جرائم شدن را دارند. با فرض کنید موضوعی مانند قدرت فیزیکی. قدرت زنان برای محافظت از خودشان زمانی که متعرض یک مرد است، شکننده است. نتیجه‌ای که در کشورهای توسعه‌یافته از این شرایط و صحبت‌ها گرفته می‌شود مهم است و قطعاً نتیجه‌ای نیست که در کشور ما می‌بینید و می‌شنوید. در کشورهای توسعه‌یافته نمی‌گویند چون کسانی که بیشتر قربانی تجاوز و تعرض می‌شوند، زنان هستند، پس زنان نباید از خانه بیرون بیایند. بلکه تلاش می‌کنند شرایط را برای حضور امن خانم‌ها بهبود دهند و فراهم کنند. سال گذشته در شبکه‌های اجتماعی تصویری دست‌به‌دست می‌شد که توضیحی درباره عدالت و برابری بود. سه نفر در سه سن و قد متفاوت پشت دیوار استادیومی ایستاده بودند و سعی می‌کردند از پشت دیوار مسابقات را تماشا کنند. در یک عکس اندازه سکوها یکسان بود بنابراین آتهایی که قدشان کوتاه‌تر بود از دیدن بازی محروم می‌شدند. در عکس دیگری زیر پای کسانی که قد کوتاه‌تری داشتند یک چهارپایه قرار داده شده بود و آنها هم می‌توانستند بازی را تماشا کنند. منظرم آن است که در دنیا نتیجه‌ای که از این مباحث می‌گیرند، مهم است و آن گذاشتن نیمکت زیر پای آدم‌هاست تا بتوانند شرایط برابری را برای حضور در اجتماع پیدا کنند. من به موضوع زنان و شهر از این زاویه نگاه می‌کنم. وقتی می‌گویم زنان هم در گروه‌های آسیب‌پذیر قرار دارند، یکی از نتایجی که از این حرف می‌گیریم، آن است که پس باید قواعد و شرایط زیست را به شکل عادلانه توزیع کرد. حتی اگر در جاهایی ناچار باشیم تبعیض مثبت قائل شویم. بودیو جامعه‌شناس فرانسوی در تحقیقی به آسیب‌شناسی نظام آموزشی فرانسه پرداخت. او در این تحقیق معتقد است کودکانی که وارد سیستم آموزش‌وپرورش می‌شوند، از طبقات اجتماعی مختلفی هستند. بعضی‌ها از خانواده‌های فرهیخته و دارای سرمایه فرهنگی بالا هستند. نظام آموزش‌وپرورش فرانسه فرهیختگی را به آنها یاد نمی‌دهد بلکه تکمیل می‌کند. آنها چیزی دارند و کمی بر داشته‌های آنان اضافه می‌شود. اما بخشی از دانش‌آموزان از خانواده‌های فقیر می‌آیند که آنچه مدرسه به آنان یاد می‌دهد، کاملاً نوآموزی است. بحث بودیو این بود که یک خشونت نامدین در سیستم آموزش‌وپرورش فرانسه وجود دارد و آن اینکه پدر و مادرهایی که پول و ثروت دارند، بچه‌هایشان را به مدارس درجه یک می‌برند و فرزندان آنان در آینده به عرصه‌های بالای هنر و سیاست وارد می‌شوند اما بچه‌های فقرا به مدارس ارزان‌قیمت می‌روند و در نتیجه تحرک بین نسلی رخ نمی‌دهد و وارد چرخ فقر می‌شوند. بحث بودیو مدتی‌ها مشیت بود. یعنی نظام آموزش‌وپرورش باید به کودکان خانواده‌های کم‌درآمد توجه بیشتری نشان دهد و خروجی نظام آموزش‌وپرورش یکسان باشد. درباره زنان هم باید گفت دوره‌های تاریخی‌ای

علیخواه: در کشورهای توسعه‌یافته نمی‌گویند چون کسانی که بیشتر قربانی تجاوز و تعرض می‌شوند، زنان هستند، پس زنان نباید از خانه بیرون بیایند. بلکه تلاش می‌کنند شرایط را برای حضور امن خانم‌ها بهبود دهند و فراهم کنند. یکی از نتایجی که از این حرف می‌گیریم، آن است که پس باید قواعد و شرایط زیست را به شکل عادلانه توزیع کرد. حتی اگر در جاهایی ناچار باشیم تبعیض مثبت قائل شویم

داشته‌ایم که رقابتی نابرابر بین زن و مرد شکل گرفته است. انگار دوره‌ای هم نیاز داریم که در بخش‌هایی تبعیض مثبت اعمال شود تا بازی عادلانه شود. در زمینه شهر، مدیریت شهری قبلی عمده مباحث خود را به بحث شمال و جنوب تقلیل می‌داد و توجه زیادی به سایر شکاف‌های اجتماعی نکرد. در واقع به‌دنبال آن نبود تا عدالت اجتماعی را با بحث جنوب و شمال پیش ببرد؛ اینکه چقدر موفق بود بحث دیگری است. درحالی‌که به نظر من شاید در تیم قبلی عدالت جنسیتی کم‌رنگ می‌شود و امیدواریم شوروی جدید بتواند این موضوع را جدی‌تر ببیند. بگذارید من مثال‌های بزنم. فرض کنید کم‌توان‌کن در بسیاری از شهرهای بزرگ و کنار پارک‌های شهر، زمین‌های بازی ایجاد شده است؛ مثلاً زمین فوتبال و تنیس. مطالعاتی که دانشجویان ما انجام دادند، نشان داد استفاده‌کننده‌ها از این زمین‌های بازی عمدتاً آقایان هستند. با بخشی از خانم‌ها در تهران شاغل هستند اما ساعت کار بیشتر استخرها تا ساعت ۱۷ برای خانم‌هاست و بعد مختص آقایان است و روزهای جمعه هم کاملاً مختص آقایان است. این در حالی است که حتی زمانی که شاغل هم نیستند، سبک زندگی‌شان عوض شده است و با دوستانشان دورهمی‌های خودشان را دارند و بخشی از این دورهمی‌ها در مراکز فراغتی مانند استخر سپری می‌شود و آن هم نه در طول روز.

نیکبخت: ساده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی می‌گوید: هرکس در اماکن عمومی یا معاینر متعرض با مزاحم اطفال یا زنان شود؛ معنای لفظی این قانون این است که اگر در اماکن عمومی نباشد، اشکالی ندارد. یکی از کارهایی که می‌کنیم این است که با جداکردن مف خانم‌ها یک نوع خشونت را به‌وجود می‌آوریم. اگر من فضیلت دارم، اجازه دهید بین همه باشیم. اگر حقیر هستم این تحقیر است. به نظم جامعه و به نمایندگی این دولت‌ها در قبال وضعیتی که برای زنان وجود دارد، وظیفه دارنم. امر این نیست که با گفتن اینکه ان‌شاءالله گریه است، قضیه را نادیده بگیریم. خودبه‌خود هرچه جامعه رو به گسترش برود یا مسائل ارتباط جمعی پیشرفته‌تر می‌شود، این مشکلات و تبعیض و خشونت بیشتر خودش را نشان می‌دهد. جامعه و به نمایندگی از آن دولت باید نسبت به این مسائل عکس‌العمل نشان دهد. در ادبیات حقوقی که دوستان حقوقدان



در هیچ‌کجای جهان زنی نیست که حداقل یک‌بار خشونت را در خیابان تجربه نکرده باشد. این خشونت می‌تواند به اندازه یک متلک کوتاه باشد و پوشش، فیزیک و زن‌بودن او را نشانه برود. خشونت خیابانی به زنان ابعاد مختلفی دارد. گاهی این خشونت از سمت جامعه به زن روانه می‌شود و گاهی ادامه خشوتی است که از خانه به خیابان امتداد پیدا می‌کند؛ مثل دعواهای زن‌وشوهری و مردی که زن را بخشی از اموال خویش می‌داند و در خیابان فیزیک و روح همسر یا دخترش را نشانه می‌رود و به این بهانه که با او خوشاوند است، مردم را از دخالت بازمی‌دارد. اما این تمام مصادیق خشونت خیابانی نیست. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که زنان را دعوت به حاشیه‌نشینی می‌کند. برای آنها به‌خاطر زن‌بودن بهتر است که در معاینر عمومی ظاهر نششوند، در اتوبوس و پارک و بیمارستان و بانک جای جداگانه‌ای برای آنها در نظر گرفته شود و زنان که از خشونت خسته‌اند به این جداسازی تن می‌دهند. این مسئله البته تنها مختص ایران نیست. گزارش‌ها نشان می‌دهد در کشورهای غربی هم اماکن عمومی مثل باشگاه‌های ورزشی خصوصی‌تک‌جنسیتی برای زنان در حال رواج بیش از پیش هستند، چون آنجا از دست‌درازی و متلک‌گویی مردان راحت هستند. چقدر از این خشونت، تولیدشده قوانین است؟ قوانینی که زنان را در کنار کودکان و سالمندان و محجوران در طبقه ضعیف جامعه قرار می‌دهد؟ چقدر قوانین به زنان در اعتراض به خشونت‌های خیابانی کمک می‌کنند؟ چقدر دست‌وپاگیرند و زنان عطای یکپیری حقوقی را به لقایش ببخشند. در میزگرد خشونت خیابانی علیه زنان با حضور فردین علیخواه، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، زهرا نژادبهرام، نماینده شورای شهر تهران و صالح نیکبخت، وکیل دادگستری، این سوالات را مطرح کردیم و آنها به آن پاسخ دادند؛ میزگردی که در آن به مشکلات حقوقی برای زن‌ها و فرهنگی که می‌پذیرد زنان ضعیف هستند پرداخته و درباره‌شان صحبت شد.

✎ یکی از نزدیک‌ترین مصادیق خشونت در خیابان شاید تصویری باشد که چندی‌پیش در شهر اصفهان منتشر شد. فیلمی که نشان می‌داد زنی روی کاپوت تاکسی را چنگ می‌زند و راننده نیز در حال فریادکشیدن است. برداشت اولیه درگیری راننده تاکسی و زن مسافر بود. این تصویر اعتراضات زیادی را در پی داشت. چندی‌بعد تاکسی‌رانی استان اعلام کرد مسئله دعوی خانوادگی بوده و نگران نباشید. نگاهی به این طورالفا می‌کند اگر آن فرد تاکسی‌ران بود، کارش خیلی زشت‌تر بود تا اینکه همسر آن خانم باشد. گویی دعوا و خشونت خانگی که زنان بسیاری قربانی آن هستند، در نگاه برخی مسئولان مسئله چندان مهمی نیست. از طرفی به نظر می‌رسد خشونت تنها فیزیکی نیست و در بسیاری از مسائل شهری هم نمود پیدا کرده و زنان نیز آن را پذیرفته‌اند. مبلمان و معاینر شهری این‌کار فقط برای مردان است، با اینکه خود زنان می‌پذیرند که صندلی جلوی تاکسیی برای آنها بهتر است و برای نشستن روی آن از دیگری سبقت می‌گیرند. با اینکه برای زنان مناطق جداگانه‌ای در نظر گرفته شود. مثلاً زنان پارک بانوان داشته باشند، بیمارستان و بانک مخصوص به خود داشته باشند. اصلاً سوآل این است که این جداسازی چقدر به نفع زنان است؟

صالح نیکبخت: همین جادکردن رستوران، کافه، پارک و صف‌های زن و مرد نگاه خشونت‌آمیز است. در فضای مجازی فیلمی در مورد جرائم برای من پخش شده‌اند که می‌گوید در ایران یک جرم است که با تولد شخص به وقوع می‌پیوندد. به نظر من دو نوع خشونت داریم: خشونت آشکار که در خانه و بیرون به وجود می‌آید. خشونت پنهان همین تبعیضی است که به صورت عادی در بین ما عملاً جا افتاده، اگر بخواهیم بعضی موضوعات را باز کنیم شاید به خیلی‌ها بربخورد. خشونت پنهان را فرهنگ برای ما درست کرده که می‌گوید مرتبه یک خانم پایین‌تر از یک مرد است و این عملاً سال به سال و دقیقه به دقیقه خشن‌تر می‌شود. در میان این آشکارا هم دو دسته داریم؛ یک بخش از خشونت در خانه انجام می‌شود و خواه ناخواه افراد خانواده از آن مطلع می‌شوند، همسایه‌ها و... چند روز قبل از دانشگاه تهران به طرف میدان ولیعصر می‌رفتم و مردی با ظاهر روستایی ا دیدم که همسرش را به مشت و لگد گرفته بود که تو از سهم ادویه من فروخته‌ای و به من پول نداده‌ای. وقتی مردم خواستند میانجیگری کنند گفتند ما زن و شوهریم، به شما ربطی ندارد. انکار صاحب زنتش است و حق ره رفتاری را دارد. علاوه بر آن در بعضی از این خشونت‌ها نوعی از خشونت جسمانی و فیزیکی هست. مثلاً در خیابان‌ها برخوردهایی که با خانم‌ها می‌کنند. شما پیاده‌رو را گذاشته‌اید که پیاده‌ه رفت‌وآمد کنند. من از چهار طرف خیابان بهشتی رفت‌وآمد کرده‌ام و بارها دیده‌ام موتور-سوارهایی که از پیاده‌رو تردد می‌کنند، به خانم‌ها تعرض می‌کنند، من نمی‌دانم مسئولان ما یا این همه توانایی چرا راجع به این موضوعات کاری نمی‌کنند؟ انکار مردم ما پذیرفته‌اند این کار باید انجام شود. خانم‌ها هم اغلب صدایشان در نمی‌آید چون حامی ندارند. اگر به مراجع مربوطه مراجعه کنند و بگویند کسی به من دست‌زدن کرده می‌گوید باید پوشش شما به گونه‌ای بوده که این اتفاق افتاده و محکوم می‌شوند.

✎ شاید آنچه باعث می‌شود زن‌ها ضعیف‌تر باشند این است که به لحاظ حقوقی و عرفی آنها را در کنار کودکان قرار داده‌اند. مثلاً در مشکلات، قوانین و بحران‌ها همیشه زنان و کودکان در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرند. آیا می‌توان گفت همین شکل دسته‌بندی باعث ضعف بیشتر می‌شود؟ مردی که قدرت و شعور زن را برابر با یک کودک یا محجور می‌داند، طبیعتاً خشونت بیشتری را به او وارد می‌کند؟

فردین علیخواه: در همه جای دنیا وقتی صحبت از گروه‌های آسیب‌پذیر می‌شود، عموماً به زنان، کودکان و سالمندان اشاره می‌شود. معلولان هم جزء گروه‌های آسیب‌پذیر هستند. حتی در کشورهایی نظیر سوئد که در خصوص حقوق اجتماعی وضع بهتری را دارند هم اینها جزء گروه آسیب‌پذیر تعریف می‌شوند منتها مسئله اساسی آن است که از این نوع تقویت‌ها و مقوله‌بندی‌های اجتماعی چه نتیجه‌ای گرفته شود. یکی از نتایجی که از این بحث‌ها گرفته می‌شود تبعیض